

بسترها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۱۹	علی محمدیان ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۲۵	قاسم ترابی ^۲
صفحات مقاله: ۲۱۸ - ۲۳۰	

چکیده:

گروهک تروریستی داعش یکی از مهم‌ترین تحولات اخیر در منطقه و عراق به‌شمار می‌رود که با قدرت‌گیری از بحران سوریه، به‌عنوان اصطلاحی جدید در محافل سیاسی و مطبوعاتی رایج گردید. ظهور این گروه نشانگر آغاز مرحله‌ی جدیدی از سلفی‌گرایی رادیکال با تبعیت از اندیشه‌های ابن‌تیمیه و سیدقطب در منطقه و جهان است. ابوبکر البغدادی رهبری این گروه را بر عهده دارد و با بهره‌گیری از اندیشه‌های نوسلفی‌گرایی در تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی ابتدا در عراق و سوریه و بعد در سایر نقاط جهان است. قدرت‌یابی این گروه در چند ماه اخیر در حدی بوده که توانسته به‌عنوان کنشگر غیردولتی فعال در صحنه‌ی عراق ظاهر گردد و روند سیاسی و امنیتی عراق را با اتخاذ رویکردی مسلحانه با مشکل مواجه سازد.

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تحلیلی-توصیفی با شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و استفاده از متون اینترنتی در صدد پاسخگویی به این سؤال است که «چه عواملی در شکل‌گیری داعش در عراق مؤثر بوده‌اند؟» و فرضیه اصلی مقاله آن است که «داعش به‌عنوان کنشگری اثرگذار، نقش مهم و برجسته‌ای در تحولات اخیر عراق دارد. این گروه یکی از گروه‌های تکفیری در سطح منطقه است که باهدف تشکیل امارات اسلامی شروع به فعالیت نمود و عوامل داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن بوده‌اند.» یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که می‌توان از ایدئولوژی سلفی-جهادی، عوامل داخلی (ضعف دولت و نیروهای نظامی، تعامل با گروه‌های سیاسی، عوامل جغرافیایی، اختلافات قومی، عوامل اقتصادی-اجتماعی)، عوامل منطقه‌ای (بحران سوریه، حمایت‌های مالی و نظامی عربستان و قطر به‌منظور سرنگونی

۱ - دانشجوی دوره دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ - دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

حکومت اسد و همکاری‌های ترکیه با گروه‌های مخالف اسد) و از نقش غرب به رهبری ایالات متحده (به بهانه‌ی کمک به ثبات منطقه و عراق، مبارزه با تروریست‌ها و تلاش برای ایجاد حکومت مردمی در سوریه) به‌عنوان عوامل فرامنطقه‌ای مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش نام برد.

* * * * *

واژگان کلیدی

سلفی‌گرایی، سلفی‌گرایی رادیکال، اندیشه‌های نوسلفی‌گرایی، گروهک تروریستی داعش، ای‌ان‌تولوژی سلفی - جهادی، عراق، سوریه، عوامل منطقه‌ای، عوامل فرامنطقه‌ای، حکومت اسلامی.

مقدمه

اشغال موصل در ۹ ژوئن ۲۰۱۴ از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای و داخلی کشور عراق پس از سقوط رژیم بعث به شمار می‌آید. با اشغال موصل، داعش^۱ توانست خود را به‌عنوان یک کنشگر غیردولتی فعال‌تر از گذشته نشان دهد. تا قبل از آن، تحرکات این گروه بیش‌تر حالت شورش در سطح مناطقی از عراق را داشت، اما با اشغال ناگهانی تعدادی از شهرهای عراق، طی مدتی بسیار کوتاهی توانست چهره‌ی دیگری از خود به نمایش بگذارد و تا حدودی به شعارهای خیالی تشکیل امارات اسلامی^۲ در قسمتی از عراق و سوریه برسد. داعش نشأت‌گرفته از القاعده عراق (در طی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶) است. القاعده عراق در ابتدا برای توصیف گروهی به کار می‌رفت که با حمله‌ی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، به بهانه‌ی مقابله با غرب ابتدا تحت نام انصارالسنه در عراق شروع فعالیت نمود و در مراحل بعدی به‌عنوان شاخه‌ی القاعده در عراق فعالیت خود را پی گرفت. بدون شک از نظر جغرافیایی و اجتماعی، بستر شکل‌گیری داعش در مناطق سنی و قبیله‌ای عراق بوده است. این قبایل که در مرز با کشورهای سوریه، اردن و عربستان زندگی می‌کنند، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که هنوز وابسته به تعلقات قومی و عشیره‌ای هستند. حمایت‌های سازمان القاعده و دخالت دستگاه‌های

۱ - Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL)

۲ - Islamic Emirates

سیاسی کشورهای خلیج فارس توانستند، با استفاده از جو منطقه‌ای و قبیله‌ای این مناطق به شکل‌گیری و خودنمایی داعش کمک نمایند.

عراق افزون بر قرابت جغرافیایی، قومی و مذهبی بخشی از حوزه‌ی تمدنی ایران نیز به‌شمار می‌رود. این کشور در حالت بحرانی شدیدی قرار گرفته و در سال‌های اخیر تحولات زیادی را تجربه نموده است. از این‌رو، ثبات عراق برای ایران، ضمن مهم بودن در زمره‌ی اولویت‌های اصلی قرار دارد. اهمیت بررسی این عوامل از آن جهت است که داعش تهدیدی جدی برای موقعیت و تجزیه کشور عراق و سوریه به‌شمار می‌رود و انتظار می‌رود در صورت قدرت‌یابی بیش‌تر این گروه در آینده برای منطقه، بین‌الملل و ایران تهدیدآفرین باشد. چون این رویکرد خواه‌ناخواه ایران را به‌عنوان کشور شیعی و پدرخوانده‌ی شیعیان به چالش می‌خواند. (رشیدی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: صص ۱۰۷-۱۱۰)

تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی در رابطه با گروه‌های سلفی نگاشته شده است. نگارنده مقالات و منابع منتشره را در دو گروه فارسی و انگلیسی طبقه‌بندی نموده است. منابع فارسی از جمله: کتاب بنیادگرایی و سلفیه که حاوی ۱۳ مقاله از نویسندگان مختلف است، در نوع خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این کتاب توسط پاکتچی و هوشنگی منتشر شده است که به زمینه‌های تاریخی، عقاید، فعالیت‌های سلفی و مقایسه‌ی آن با گروه‌هایی هم‌چون القاعده اشاره دارد. منابع انگلیسی نیز از جمله: ریچارد باریت^۱ در اثری تحت عنوان دولت اسلامی، بیش‌تر به معرفی دولت اسلامی، فرماندهان و اعضای آن پرداخته است. تابی دودگه^۲ نیز در مقاله‌ای تحت عنوان عراق بین مالکی و دولت اسلامی^۳، بیش‌تر به اختلافات فرقه‌ای عراق می‌پردازد، اما به دلیل تازه تأسیس بودن داعش مطالب علمی کم‌تری در این خصوص نوشته شده است.

۱ - richard barret

۲ - Toby Dodge

۳ - Iraq Between Maliki and the Islamic State

مقاله‌ی حاضر به‌طور مشخص در صدد پاسخگویی به این سؤال است که «چه عواملی در شکل‌گیری داعش در عراق مؤثر بوده‌اند؟» فرضیه‌ی اصلی مقاله آن است که «داعش به‌عنوان کنشگری اثرگذار، نقش مهم و برجسته‌ای در تحولات اخیر عراق دارد.» این گروه یکی از گروه‌های تکفیری در سطح منطقه است که با هدف تشکیل امارات اسلامی شروع به فعالیت نمود و عوامل داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن بوده‌اند. برای آزمون این فرضیه و پاسخ‌گویی به سؤال اصلی، خارج از مباحث نظری، پیشینه‌ی تکفیری‌ها در عراق بررسی خواهد شد. این‌که اهداف برنامه‌ها و ایدئولوژی داعش به چه صورتی می‌باشد، بخش دیگری از پژوهش است. عوامل مؤثر در شکل‌گیری داعش نیز در بخش دیگری از تحقیق و در نهایت، نتایج حاصل از پژوهش ارائه خواهد شد.

چارچوب نظری

سلفی‌گری

سلفی‌گری در معنای لغوی، تقلید از گذشتگان، کهنه‌پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است. در اصطلاح، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام بسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در رفتار و اعتقادات خود، از اصحاب پیامبر (ص)، تابعین و تابعین تابعین پیروی می‌کنند. (مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۷۹: ص ۲۶) این جریان مردم را با رجوع به شیوه‌های (سلف صالح) و تمسک به سنت دعوت می‌نماید. (المنجد فی الاعلام، ۱۹۸۶: ص ۳۰۵) تفسیر لفظی از قرآن و همه‌ی نوآوری‌ها را در ارتباط با آموزه‌های اصیل اسلام رد می‌نمایند، ارزش‌هایی را که به نسل اول اسلام مربوط نمی‌شود، قبول ندارد و اجداد مؤمن را به‌عنوان نمونه‌ی سلفی از بزرگان اولیه‌ی صدر اسلام معرفی می‌نمایند. (Moosa, 2005: p 21) از دید سلفی‌ها هر دیدگاهی در خصوص تصوف، عرفان و شیعه محکوم بوده و باید با آن مبارزه شود. در معنای کلان بر احیای خلافت تأکید دارند، دو دلیل اصلی برای سلفی‌گری بیان می‌دارند: اول، خالص نمودن اندیشه‌های اسلامی با تأکید بر این‌که امت مسلمان باید شکوه و عظمت اسلام را برای حل و فصل بحران‌های دینی و دنیوی خود دوباره زنده نماید. دوم، پیش‌برد امت مسلمان باید از طریق اصلاحات دینی و اخلاقی باشد. (Syamsu Rizal, 2006: pp 84-85)

بر اساس منابع موجود سلفی‌گری دوره‌های مختلفی را طی نموده است: دوره‌ی اول به ظهور سلفی‌گری در قرن سوم هجری توسط احمد بن حنبل تحت عنوان مکتب اهل حدیث برمی‌گردد. در دوره دوم، ابن تیمیه و شاگردش ابن‌قیم‌الجوزیه در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، عقاید حنبلی را به‌گونه‌ای افراطی‌تر احیا کردند. عصر ابن تیمیه، دوره‌ی انحطاط و تنزل تفکر فلسفی و استدلال منطقی و هم‌چنین قرن روی آوردن به ظواهر دین و توجه سطحی به معارف خشک و مذهبی عنوان شده است. دوره‌ی سوم با ظهور وهابیت در اوایل قرن هجدهم توسط محمد عبدالوهاب در عربستان شکل گرفت. وهاب در صدد بود تا با پیروی از ابن تیمیه و ارائه‌ی یک نظریه‌ی انقلابی، بازگشت به اسلام سلف (Sfeir, 2007: p 36) در زمان پیامبر (ص) را مطرح نماید. (Lammens, 2003: p 191) معتقد بود که از قرن سوم هجری به بعد، اسلام تحریف شده و باید از خرافات زدوده شود. (the columbia encyclopedia, 2001) در واقع، وهاب دارای رویکرد رادیکال‌تری نسبت به ابن تیمیه بود. (Sirajuddin, 1994: p 310) وهاب ضمن رد هر شکلی از مدرنیته اعلام کرد که دولت باید مطابق با قوانین مذهبی اداره گردد. (Dictionnaire mondial de l'islamisme, 2002: p 479) این جنبش به‌منظور جذب و گسترش حوزه‌ی نفوذ در خارج از شبه‌جزیره‌ی عربستان، به سلفی تغییر نام داد. پایه‌ی دولت عربستان بر اساس رابطه‌ی نزدیک خاندان سعودی و جنبش وهابی شکل گرفت. (Eleanor, 2003: pp230-248) با متحدشدن آل‌سعود با قبایلی از شبه‌جزیره‌ی عربستان، وهابیت تقویت شد (Roy, 1995: p 30) و به‌عنوان آموزه‌ای دینی در جامعه‌ی عربستان مورد استفاده قرار گرفت. با بیش از دو قرن از استقرار وهابیت در عربستان، هنوز هم یکی از مهم‌ترین مسیرهای حرکت اسلام رادیکال معاصر می‌باشد. (Sfeir, 1997: p 77) وهابیت حاضر بر این باور است که همه‌چیز در شریعت منعکس شده و همه باید خود را ملزم بدانند تا در مورد رفتارهای دینی به کوچک‌ترین جزئیات توجه کنند. (Murawiec, 2003: p 46)

دوره‌ی چهارم به طرح سلفیه توسط افرادی هم‌چون محمد عبده و دیگران با هدف مقابله با تهاجمات غربی برمی‌گردد. هدف‌شان از انتخاب سلفیه این بود که اعلام نمایند، پیرو اسلام راستین قرن نوزدهم هستند. (البوطی، ۱۴۱۸ ق: صص ۲۳۲-۲۳۳) تشکیل اخوان المسلمین را می‌توان در این دوره قرار داد. دوره‌ی پنجم سلفی‌گری به اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم برمی‌گردد که تعدادی از

تحصیل‌کردگان در حوزه‌های سلفی‌گری و وهابیت با پشتیبانی مالی برخی دولت‌ها، کشور افغانستان را به اشغال خود درآوردند و دست به اقدامات تروریستی در شرق و غرب زدند. دوره‌ی ششم سلفی‌گری را نیز می‌توان به زمان کنونی نسبت داد که حملات آمریکا و ائتلاف به عراق، افغانستان و انقلاب‌های عربی در این دوره صورت گرفت. در این دوره در فضای انقلابی و خلأ دولت‌ها، گروه‌های سلفی نسبت به گذشته رشد بیش‌تری یافتند.

تفکیک سلفی‌ها

با توجه به دلالت‌های متعددی که امروزه سلفی‌گری پیدا کرده است، نسبت سنجی آن با گرایش‌هایی نظیر وهابیت ضروری به نظر می‌رسد. (سیدزاد، ۱۳۸۹، ۹۸) اغلب در تشخیص میان سلفی و وهابیت و یا بین نسخه‌های وهابیت اشتباه پیش می‌آید، (Zuhur, 2005: p 3) امروزه سلفی‌گری به نمایندگی از برخی آموزه‌های دینی وهابیت دیده می‌شود، (Sulaiman, 2005: p 20) به‌عنوان یک قانون، همه‌ی وهابی‌ها سلفی هستند، اما همه سلفی‌ها وهابی نیستند. (Moussalli, 2009)

در خصوص گروه‌های سلفی در عصر حاضر بیش‌تر نویسندگان بر تقسیم‌بندی آنان در سه‌دسته‌ی سنتی، میانه‌رو و افراطی (تکفیری) اشتراک نظر دارند. سلفی‌های سنتی تمایلی به احزاب و جریان‌های سیاسی ندارند و معتقد به گسترش اسلام از طریق اهمیت دادن به بخش عملی دین هستند و در چارچوب حفظ نظم موجود حرکت می‌کنند. (www.aljazeera.net) سلفی‌های میانه‌رو با وهابیت و سنتی‌ها ارتباط چندانی ندارند و معتقد به تجدید حیات اسلامی بر مبنای اعتدال هستند.

سلفی‌های رادیکال

با پایان جنگ سرد^۱، گرایش جدیدی با عنوان سلفی افراطی در گروه‌های طرفدار احیای مذهبی شکل گرفت؛ آنها معتقدند که تفکرات دو گروه اول هرگز به نتیجه نخواهد رسید. سلفی‌های افراطی که تحت عناوین سلفی - تکفیری (جهادی) از آنها یاد می‌شود، عمدتاً متأثر

۱ - Cold War

از ابن تیمیه می‌باشند. (فوزی، ۱۳۸۹: ۱۶۰) واژه‌ی تکفیری از کلمه‌ی تکفیر، به معنای نسبت دادن کفر به دیگران است. (Abu Aman et al, 2011:pp 193-195) ایدئولوژی تکفیری بر اساس دیدگاه سیدقطب توسعه داده شد. این ایدئولوژی با سلفی‌گری نو بنیادگرا که مفهوم اسلام را تحت محاصره‌ی مسیحیت، صهیونیسم و نیروهای سکولار می‌بیند، تلفیق شده است. (Ramakrishna, 2005: p 343) آنها در تلاش‌اند تا با ایجاد یک خلافت پان‌اسلامی^۱ ضمن توجه به اصول بنیادین سلفی، تمام جهان را تحت سلطه‌ی ایدئولوژی افراطی خود قرار دهند. (Bingham, 2006: p 50) این گرایش در ابتدا با حمایت آمریکا پیرامون گروه القاعده و گروه‌های اطلاعاتی پاکستان و عربستان سعودی متمرکز گردید (Kane, 2007: p 64). اما بعدها گروه‌های تکفیری دیگری از آن منشعب شدند.

حقوقدانان کلاسیک جهاد را به دودسته‌ی دفاعی^۲ و تهاجمی^۳ تقسیم نموده‌اند: جهاد تهاجمی که علیه کافران صورت می‌گیرد و در تلاش برای گسترش قلمرو کشور مسلمان است، مشارکت در این نوع جهاد وظیفه‌ای داوطلبانه است، به طوری که اگر تعداد افراد شرکت‌کننده کافی باشد، نیازی به مشارکت همگان نیست، اما اگر تعداد افراد کامل نشود، همه‌ی مسلمانان مرتکب گناه شده‌اند. جهاد دفاعی هنگامی صورت می‌گیرد که دشمن به قلمرو مسلمانان حمله کند، شرکت در آن یک وظیفه‌ی همگانی برای همه‌ی مسلمانان است. در هر دو مورد جهاد، تأیید رهبر قانونی را لازم دارد و همواره باید برای گروه امتیازات اخلاقی و تحریم‌های قانونی در نظر گرفته شود. (Khadduri, 1995: pp7-56 & Peters, 1996: pp3-17) محمد عبده و رشید رضا بر جهاد دفاعی و ایمن‌الظواهری نیز بر هر دو جهاد دفاعی و مسلحانه تأکید داشته‌اند. (Moghadam, 2009)

بنیان‌گذاران گروه‌های مذهبی نظرات خاصی در خصوص جهاد دارند. حسن‌البناء، بنیان‌گذار اخوان‌المسلمین معتقد است که بیش‌تر دانشمندان اسلامی به اتفاق آرا موافقت دارند

۱ - Pan-Islamic

۲ - Defensive

۳ - Offensive

که جهاد یک وظیفه‌ی دفاعی برای امت اسلامی است تا دعوت خود را گسترش دهند، هم‌چنین تعهد فردی برای دفع حملات کافران است. (al-Banna, 1978: pp150-151) الغنوشی، رهبر جنبش بنیادگرای النهضه نیز به ترویج جهاد دفاعی پرداخته است. (Ghannouchi 1995) المودودی بیان می‌دارد که این وظیفه‌ی مؤمنان است تا ظلم، ستمگری، بی‌اخلاقی، تکبر، رقابت و بهره‌برداری غیرقانونی را از روی زمین به زور اسلحه بردارند. (al-Mawdudi, 1997: pp 4-11) عزام، جهاد را بزرگ‌ترین تعهد مذهبی پس از ایمان می‌داند و بیان می‌دارد که غفلت از جهاد موجب تحقیر مسلمانان می‌شود، وقتی مسلمانان تحت حملات کافران نیستند، جهاد یک تعهد اجتماعی است، اما وقتی کفار سرزمین‌های مسلمانان را اشغال می‌کنند، یک تعهد فردی می‌شود و این تا زمانی ادامه دارد که آخرین بخش از سرزمین‌های اسلامی آزاد گردد. (Azzam 2007: 39) سیدقطب نیز جهاد را هم دفاعی و هم تهاجمی می‌داند و بیان می‌دارد که جهالت همواره شیطان است (وی جهان را به دودسته (اسلام و جهالت) تقسیم کرده است) و نیاز است تا با آن جهاد گردد و دستگاه‌های اسلامی جایگزین آن شود. بر اساس نظر وی، تنها یک قانون وجود دارد و آن شریعت است و دیگر قوانین نوآوری‌های انسان‌ها هستند و تنها یک سیستم وجود دارد و آن اسلام است و بقیه جهالت هستند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که تکفیری‌ها به آن دسته از افراد یا گروه‌هایی اطلاق می‌گردد که برای تحمیل عقاید، باورها و ارزش‌های اخلاقی خود به دیگران دست به خشونت می‌زنند. (Baqal, 2011:p1) بنابراین، جهاد تنها روش بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست‌رفته‌ی مسلمانان است. (Asim & ud-Deen, 1997: pp48-51; 76-77; 115; 123)

پیشینه‌ی تکفیری‌ها در عراق

شروع فعالیت تکفیری‌ها در عراق به زرقاوی برمی‌گردد. زرقاوی کسی بود که در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸ به جرم مواد مخدر زندانی شد، (Reidel, 2008: pp 89-90) در زندان به اسلام افراطی گرایش پیدا کرد و پس از آزادی به همکاری با نیروهای القاعده پرداخت. (Weaver, 2006) با سقوط کابل (۱۹۹۲)، زرقاوی به اردن بازگشت و در ۱۹۹۹،

مجدداً به افغانستان رفت و با بن‌لادن ملاقات کرد. (Weaver, 2011: p 161) با وساطت سیف العادل، زرقاوی توانست نظر مثبت بن‌لادن را به‌منظور راه‌اندازی اردوگاه آموزشی در قندهار جلب نماید. (همان) زرقاوی نیروهایش را عمدتاً از اردنی‌ها، فلسطینی‌ها و سوریه‌ای‌هایی که در اروپا زندگی می‌کردند، جذب نمود. زرقاوی با حملات آمریکا به افغانستان از آنجا خارج شد و تا ۱۴ ماه فعالیت‌هایش را در لبنان، سوریه و مناطق کردنشین عراق تحت عنوان التوحید والجهاد پی گرفت.

متعاقب حمله‌ی آمریکا به عراق (۲۰۰۳) الظواهری از زرقاوی خواست تا ائتلافی را برای گرفتن قدرت به هنگام خروج آمریکاییان از عراق تشکیل دهد. (al-Zawahiri, 2003) زرقاوی نیز مسلمانان را به حمله علیه آمریکا در عراق فراخواند. (hood, 2010: pp 383-384) معتقد بود که برای افراطی‌گرایی و مبارزه با آمریکا باید از خشونت استفاده کند. (<http://www.cpa-iraq.org;2004>) فعالیتش در محدوده‌ی یک مثلث سنی (میان بغداد، الرمادی و تکریت) و پایگاه اصلی او در الانبار بر اساس توافق با قبایل آن منطقه به‌منظور بیرون راندن نیروهای آمریکایی، توقف مراحل سیاسی کشور و سرنگونی حکومت جدید بود. (Weaver, 2011: p161) گرچه در ابتدا عناصر بعثی، سد دفاعی علیه افراط‌گرایان را تشویق می‌نمودند (Hashim, 2006: pp 148-149)، اما با محرومیت از پست‌های دولتی و انحلال ارتش، بهترین فرصت‌ها برای تقویت القاعده فراهم شد. (Kaplan, 2007) اعضای این گروه، ترکیبی از عناصر اسلام‌گرا، ملی‌گرا و نیروهای بعث بودند، تلاش می‌کردند تا با تشکیل ائتلافی قوی و حمله به اهداف خارجی ساختار موجود را با بحران مواجه نمایند. (Hashim, 2006: p 34)

زرقاوی به‌منظور رسیدن به هدف، راهبردهای ویژه‌ای را اتخاذ نمود: اول، نمایندگی‌های بین‌المللی را در سطح عراق مورد هدف قرارداد. دوم، با هدف جلوگیری از روند تغییر، ایستگاه‌های پلیس و سیاستمداران عراقی را مورد هدف قرارداد. سوم، پیمانکاران غیرنظامی، کارگران و کمک‌های انسان‌دوستانه را مورد حمله قرارداد. عراق را هم‌چون میدانی ترسیم نمود که در امتداد جنگ جهانی سلفی‌ها علیه آمریکایی‌ها و متحدان منطقه‌ای آن بود. (کیوان، ۲۰۰۸: ص ۱۷۸) در نهایت، تلاش نمود با تحریک سنی‌ها و شیعیان علیه یکدیگر زمینه‌های لازم را برای ایجاد یک جنگ داخلی مهیا نماید،

(اندیشه‌سازان نور، ۱۳۷۹: ص ۱۰۱) ترور سیدمحمد الحکیم در نجف نمونه‌ای از آن بود. (Hashim, 2006: p 212) با به اوج رسیدن حملات تروریستی و جلب اعتماد بن‌لادن در اکتبر ۲۰۰۴ نام گروه را به القاعده عراق تغییر داد. راهبرد زرقاوی برای ایجاد جنگ داخلی، در ۲۰۰۵ شکاف و جدایی بین گروه‌های شورشی و سایر گروه‌های سنی را نشان داد. به همین دلیل، وی در ۲۰۰۶، به‌منظور فائق آمدن بر مشکلات و اختلافات پیش رو تشکیل شورای مجاهدین (متشکل از القاعده و ۵ گروه شورشی دیگر) را اعلام نمود. زرقاوی در ۷ ژوئن ۲۰۰۶ در یک حمله‌ی هوایی توسط آمریکا کشته شد. (<http://www.adl.org:2006>)

پس از کشته شدن زرقاوی، المهاجر و بعد از مدت کوتاهی ابو عمر البغدادی به‌عنوان امیر این گروه انتخاب شد (Group Profile, Jane's World Insurgency and Terrorism, 2011) و در اواخر سال ۲۰۰۶ با کنترل بخشی از عراق، ضمن اعلام دولت اسلامی عراق (Kaplan, 2007) خواستار همکاری قبیله‌ها شد. همزمان با هدف قراردادن شیعیان، حمله به نیروهای آمریکایی، بانک مرکزی، دادگستری، زندان‌های ابو غریب و الحوت و تمرکز بر عملیات انتحاری در صدر برنامه‌های آنها قرار داشت.

داعش، گونه‌شناسی، ساختار، جهت‌گیری و اهداف

با کشته شدن عمر در سال ۲۰۱۰، ابوبکر، امیر دولت اسلامی عراق گردید. ابوبکر به دنبال تشکیل حکومت اسلامی عراق و شام بود، خلأ امنیتی ناشی از خروج نیروهای آمریکا و ضعف نیروهای امنیتی عراق از یک سو و آغاز بحران سوریه از سوی دیگر، سبب قدرت گرفتن این گروه و تغییر راهبرد آنها شد. با توجه به پیچیدگی ساختار درونی داعش به سختی می‌توان آن را بر مبنای خاصی تجزیه و تحلیل نمود؛ اما به مراتب از دیگر گروه‌های سلفی افراطی‌تر عمل نموده است، چراکه همه‌ی سلفی‌ها مخالف شیعه هستند، اما نگاه داعش با تمام سلفی‌های دیگر تفاوت دارد. شیعه را مرتد اعلام نموده و جهاد علیه آنها را تشویق می‌نماید (Al-Baghdadi, 2012) و بیش‌تر از سایر گروه‌های سلفی بر جهاد مسلحانه علیه شیعیان متمرکز شده است، داعش بر اساس دیدگاه سیدقطب جهاد خشن را وظیفه‌ی اعضای این گروه می‌داند و سعی دارد با ایجاد وحشت در مناطقی که تحت

کنترل آنهاست، فعالیت نماید. داعش در تلاش است تا ارزش‌های تکفیری خود را به‌عنوان هنجارهای دینی ابتدا در عراق و سوریه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن در کشورهای دیگر پیاده نماید (Washington, D.C, 2014) و در جهت لغو مرزهای قرارداد سایکس-پیکو^۱ و ایجاد یک امارت در منطقه تلاش می‌کند. (Al-Baghdadi, 2012)

در خصوص تعداد نیروهای داعش آمار رسمی وجود ندارد، اما می‌توان گفت در خصوص جذب نیرو موفقیت‌های چشم‌گیری داشته و همین عامل باعث گسترش فعالیت آنها در عراق شده است. بسیاری از عناصر داعش، افسران ارتش صدام هستند که در ظاهر تشکیل حکومت سنی‌ها را در عراق را دنبال می‌کنند، اما در واقع به‌دنبال تشکیل حکومتی مخالف حکومت مرکزی این کشور هستند. گروه‌های دیگری از جمله جیش‌المجاهدین، نقشبندیه، ارتش اسلامی عراق، ثوره‌العشرین، انصارالسنه نیز در سطح عراق با داعش همکاری دارند و باعث تقویت این گروه شده‌اند.

فناوری اطلاعات^۲ و ارتباطات به‌عنوان عاملی مهم نقش داعش را برجسته نموده است. استفاده‌ی خلاقانه این گروه از اینترنت به‌منظور بزرگ‌نمایی خشونت^۳ از مهم‌ترین برنامه‌های آن است، داعش فیلم اعدام‌های مخالفان را منتشر می‌نماید و از طریق اینترنت، توانایی ارائه‌ی پیام‌های ایدئولوژیک^۴ به مخاطبان خود و کسب حمایت آنهاست. (http://www.ctc.usma.edu, 2010) انتشار حملات خشونت‌آمیز بر روی اینترنت نیروی عجیبی را به جنگ روانی داعش بخشید که نه تنها عراق، بلکه سایر کشورها را در کام خود فرو برده است. از اهداف عمده‌ی داعش در خصوص نمایش این فیلم‌ها از یک طرف گسترش شبکه و از طرف دیگر در صدر اخبار قرار گرفتن این گروه است.

۱ - Sykes - Picot

۲ - Information technology (IT)

۳ - Violence

۴ - Ideological

در خصوص منابع مالی^۱ داعش تخمین دقیق آن دشوار است. به گفته‌ی مشاور امنیتی آمریکا، بیش‌تر منابع مالی داعش از عربستان، قطر و ثروتمندان حوزه‌ی خلیج فارس تأمین می‌شود. (BBC News, 2014) مقدار پول ارسال‌شده از طرف افراد ثروتمند خلیج فارس در حدود ۸ میلیون دلار تخمین زده شده است. (Dickinson, 2013) بر اساس برآوردها داعش در حال حاضر ثروتمندترین گروه تروریستی جهان است. (www.wsj.com, 2014) چون با تسلط و فروش نفت مناطق تحت کنترل،

۵۱۵ میلیون دلار برآورد می‌شد، اما با غارت بانک موصل، ۱,۵ میلیارد دلار دیگر به مبلغ قبلی آنها اضافه شد. (www.theguardian.com, 2014)

بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری داعش

تحلیل و بررسی تحولات عراق نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که شکل‌گیری داعش تک مؤلفه‌ای نیست، بلکه محصول رابطه‌ی متقابل و پیچیده‌ی متغیرهای داخلی و پویایی‌های سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. برای تحلیل و بررسی بهتر، عوامل در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل بررسی خواهند شد.

عوامل داخلی مؤثر در شکل‌گیری داعش

ضعف دولت

از عواملی که منجر به ظهور داعش گردید، به ضعف دولت حاکم برمی‌گردد. بنابراین، ضعف دولت در سه زمینه‌ی ارتش و نیروی نظامی، برقراری روابط با گروه‌های سیاسی و عدم نظارت بر ارگان‌های دولتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) ارتش و نیروی نظامی

مهم‌ترین علل تشکیل داعش به وجود شکاف‌های بی‌شمار در ارتش و نیروی نظامی در زمینه‌ی ایجاد نظم و امنیت برمی‌گردد، زیرا در چنین شرایطی زمینه برای پر نمودن خلأ ایجادشده

۱ - Financial resources

توسط شبه‌نظامیان و سایر بازیگران فراهم خواهد شد. (Hironak, 2005) فعالیت داعش از مناطقی شروع شد که نظارت دولت بر آن کم‌تر بود. مطالعات نشان می‌دهد به دلیل ضعف تعدادی از حکومت‌های شرق میانه^۱ و آفریقا، تکفیری‌ها سریعاً به این مناطق وارد شده‌اند تا از خلأ موجود به نفع خود استفاده نمایند. (Hegghammer, 2011: pp 53-94) از آنجا که نمی‌توان نقش اردوگاه‌ها و میدان‌های جنگ جهادی را در ایجاد هویت مذهبی مشترک و تحریک اعضا نسبت به سرنگونی رژیم‌های موجود (به اصطلاح کافر) (al-Hakim, 2007) نادیده گرفت؛ اما عدم توجه نیروهای نظامی به قسمت‌های از مناطق مرزی و داخلی عراق، زمینه‌ی تشکیل اردوگاه‌ها و مراکز آموزشی (مبارزه، سلاح و مواد منفجره) و گسترش پیوندهای اجتماعی و ایدئولوژیک علیه دولت را فراهم ساخت.

با اشغال عراق، ارتش صدام از سوی نیروهای اشغالگر منهدم شد و زمینه‌ی ناامنی این روزهای عراق را با اخراج گسترده‌ی نیروهای ارتش فراهم ساخت. آمریکا به‌منظور کنترل و دخالت در ارتش کنونی تعدادی از نفوذی‌های بعثی و معارضان سنی را در رده‌های فرماندهی به‌کارگیری نمود. جدایی ۷ لشکر ارتش در حوادث موصل را می‌توان به نفوذی‌های بعثی نسبت داد. از سوی دیگر، نظارت و مدیریت ارتش به‌وسیله‌ی نخست‌وزیر فضا را برای مشارکت گروه‌های عمومی در قسمت‌های نظامی تنگ نمود. گرچه قبایل و غیرنظامیان سنی از ابتدای سقوط صدام از گروه‌های تروریستی حمایت و با آنها همکاری می‌نمودند، اما از سال ۲۰۰۶ به بعد به‌موجب خفقانی که توسط که این گروه‌ها بر آنها حاکم شد، به مخالفت با گروه‌های تروریستی برآمدند و مورد سرکوب واقع شدند. ادامه‌ی سرکوب غیرنظامیان سنی موجب شد تا در بهار ۲۰۰۹ صد هزار سنی از شورشیان سابق با نوری المالکی توافق کنند تا در قالب شوراهای بیداری^۲ به‌عنوان بازوی نظامی ارتش به جنگ با گروه تروریستی دولت اسلامی عراق بپردازند (Cordesman, 2011: pp 270-271)، اما نخست‌وزیر به وعده‌هایش عمل نمود و بعد از مدت کوتاهی تعدادی از آنها به دلیل عدم یکپارچگی سرویس‌های امنیتی عراق و تأخیر در پرداخت حقوق، مجدداً به دولت اسلامی عراق پیوستند. (Williams & Adnan, 2010) با توجه به

۱ - Middle East

۲ - awaking

توضیحات فوق به این نتیجه خواهیم رسید که ارتش و نیروهای نظامی عراق یک‌دست و منسجم نبوده و از تمام توان و ظرفیت‌های همه‌ی گروه‌های عراقی استفاده ننموده است.

ب) تعامل با گروه‌های سیاسی

به قدرت رسیدن مالکی در ۲۰۰۶ را باید مدیون ائتلاف شیعیان دانست، اما مالکی به‌منظور رسیدن مجدد به قدرت، تصمیم به ایجاد شکاف میان ائتلاف گرفت و در سال ۲۰۱۰ تحت عنوان القانون وارد عرصه‌ی انتخابات پارلمانی شد، بدون شک یکی از عوامل آشفتگی فعلی عراق به همین شکاف سیاسی در میان شیعیان برمی‌گردد. این شکاف تمام احزاب این کشور را در صف مخالفین وی قرار داد و باعث عمیق‌تر شدن بحران شد. بحران سیاسی بین‌المللی و رقبای سیاسی از ۲۰۱۲ تا پایان نخست‌وزیری وی روزه‌روز شدیدتر شده است. چهار نفر در آوریل ۲۰۱۲، از رهبران سیاسی (صدر، علاوی، بارزانی و النجیفی) در نامه‌ای خواستار پذیرش و عملی نمودن توافقنامه‌ی ۲۰۱۰ ارییل شدند و در غیر این صورت، مالکی را تهدید به رأی عدم اعتماد نمودند (Al-Monitor, 2012)، اما مالکی بدون توجه به خواست آنها برنامه‌ی خود را ادامه داد و در اولین اقدام در آوریل 2012، دستور بازداشت رئیس کمیسیون مستقل عالی انتخابات عراق را صادر نمود (Heuvelen: 2012) و باعث بدتر شدن اوضاع و افزایش تنش‌ها شد.

کردها در طی سنوات گذشته از هم‌پیمانان راسخ شیعه بوده‌اند، اما مالکی تعامل چندانی با حکومت اقلیم کردستان نداشت و همواره تنش و چالش جدی بین کردها و بغداد وجود داشت، دولت مرکزی برای حل این معضل تلاش نکرد و تعلل و کم‌توجهی را در پیش گرفت. اگر بغداد در رفتار سیاسی و اجرایی خود به شکل سنجیده و واقع‌بینانه از توان و ظرفیت کردها استفاده می‌کرد، عملاً پتانسیل اشغال از میان می‌رفت. از طرفی دیگر، رهبران سیاسی اهل سنت همواره از این شکایت می‌کردند که به حاشیه رانده شده‌اند و شهرهای‌شان مورد غفلت واقع شده است. یکی از رهبران قبیله‌ای و از مؤسسان جنبش بیداری بیان نمود: ما مخالف داعش هستیم، اما بی‌توجهی و تبعیض مالکی، ما را مجبور به اعتراض کرده است. (Parker, 2014: p 17) عدم توجه و همکاری مالکی به درخواست سنی‌ها و اکراد زمینه‌ی بدتر

شدن اوضاع عراق را فراهم نمود؛ بنابراین، اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز در بخش‌های مختلف سیاسی علیه گروه‌های خارج از القانون (شیعی، سنی و اکراد) اوضاع را بدتر کرد و منجر به ادامه‌ی تظاهرات و همکاری تعداد زیادی از مردم با داعش شد. داعش زمانی حملاتش را در عراق شدت بخشید که اختلافات جریان‌های سیاسی عراق به اوج رسید.

ج) عدم نظارت کافی بر فساد ارگان‌های دولتی

عدم نظارت بر نیروها و مأموران دولتی فرصتی را فراهم ساخت تا بدون توجه به منافع ملی کشور در فکر منافع شخصی خود باشند. همان‌گونه که بون^۱ (۲۰۰۶) از قاچاق نفت توسط نیروهای دولتی به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکل دولت عراق نام می‌برد. (David Pallister, 2006) سازمان شفافیت بین‌المللی^۲، میزان فساد و رشوه توسط پلیس و دیگر نهادهای دولتی در عراق را طی سال ۲۰۱۱ رو به افزایش اعلام کرد. (https://www.transparency.org, 2011) همین سازمان در گزارش سال ۲۰۱۳ خود اعلام نمود که عراق در میان ۱۰ کشور فاسد جهان از نظر فساد مالی بوده است. (http://www.theiqdteamconnection.com, 2013) این گزارش حاکی از آن است که فساد در عراق در سطح بالای دولتی رخنه کرده تا آنجا که بیش‌تر احزاب سیاسی در جریان عقد قراردادهای نفتی و مسائل بودجه و غیره، آلوده به فساد مالی شده‌اند. شبکه‌ی دانش عراق نیز به فساد قابل‌توجه پرداخت رشوه ۲۹,۳ درصدی شهروندان بغدادی در مقابل ۳,۷ درصدی کل شهروندان حکومت اقلیم از بابت مالیات اشاره نمود. (Agator, 2013: p3) انجمن داخلی عراق (۲۰۱۳)، به خروج سالانه برابر ۴۰ میلیارد دلار از دارایی این کشور از طریق طرح‌های پول‌شویی به دلیل فساد در فعالیت‌های بانک مرکزی از کشور خارج اشاره دارد. (Agator, 2013: p 3) در چند سال گذشته تعدادی از قراردادهای نظامی به دلیل فساد لغو شده‌اند. (برای مثال، لغو خرید تجهیزات نظامی از روسیه توسط احمد المالکی) یکی دیگر از پدیده‌های رایج در ادارات عراق استخدام افراد در قسمت‌های دولتی بر اساس ایده‌ی سیاسی و روابط با مقامات دولتی واداری صورت می‌گرفت. (Agator, 2013: p 4)

۱ - Boone

۲ - Transparency International

شرایط اقتصادی و اجتماعی ناسامان

یازده سال درگیری و جنگ داخلی بنیان‌های اقتصادی عراق را در هم فرو ریخت و سبب فقر عمومی در کشور شد. آمار دقیقی در خصوص جمعیت عراق وجود ندارد، اما بر اساس تخمین سازمان سیا در ژوئیه‌ی ۲۰۱۳ جمعیت عراق در حدود ۳۱/۸۵۸/۰۰۰ نفر است. از این تعداد، ۹۷ درصد مسلمان (شیعه ۶۰-۶۵، سنی ۳۲-۳۷)، مسیحی ۷ درصد و باقی‌مانده ۳ درصد مربوط به سایرین می‌باشند. هم‌چنین ترکیب قومی آن ۷۵٪-۸۰٪ عرب و ۱۵٪-۲۰٪ کرد و ۳ درصد ترکمن، آشوری و غیره می‌باشند. (https://www.cia.gov, 2013) بر اساس برآورد واحد آمار آمریکا، جمعیت عراق تا سال ۲۰۵۰ به ۵۶/۳۰۰/۰۰۰ نفر خواهد رسید. (http://www.census.gov, 2013) عراق دارای منابع نفتی فراوانی است، اما با این حال، بنا به گزارش‌های سازمان ملل ۲۳ درصد از جمعیت آن کشور در فقر مطلق زندگی می‌کنند. (Agator, 2013)

شدت و میزان حملات تروریستی و نبود ثبات سیاسی میزان رشد اقتصادی و اشتغال در این کشور را با سیر نزولی مواجه ساخته است (http://www.iraq-businessnews.com) نبود امنیت و فقدان شغل موجی از بیکاری را در این کشور به وجود آورده است، به طوری که نرخ بیکاری این کشور در سال ۲۰۱۳ با ۴ درصد رشد نسبت به سال گذشته به ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است. (Agator, 2013) ادامه‌ی مشکلات اقتصادی و نفوذ سنت‌های دینی زمینه‌ی اشاعه‌ی گروه داعش را فراهم ساخت. بدین ترتیب، داعش سعی نمود اعضای خود را از بین جوانان طبقات پایین جامعه تشکیل دهد و در مقابل به آنها حقوق زیادی بدهد. برابر اخبار منتشره در سایت‌ها و خبرگزاری‌ها، داعش به مبارزان خود دستمزد گزافی می‌پردازد که در مقایسه با میزان دستمزدها نه تنها در سطح عراق بلکه در مقایسه با میزان دستمزدها در سطح برخی از کشورهای منطقه متفاوت و دارای ارقامی بیش از حد متصور است.

عامل جغرافیایی

داعش قلمروی به وسعت کشور اردن از کناره‌های شهر حلب در سوریه تا اطراف بغداد را تصرف کرده است، حدود ۶ میلیون نفر در عراق و سوریه تحت حاکمیت آن زندگی می‌کنند. (http://www.lrb.co.uk) به لحاظ جغرافیایی حضور داعش در عراق از همان ابتدا در مناطق قبیله‌ای و

بعضی از شهرهای استان‌های الانبار، نینوا، دیالی، صلاح‌الدین و کرکوک بوده است. استان الانبار یک‌سوم عراق با ۵۰۰,۱۳۸ کیلومتر مربع را داراست و بر اساس آمار ژوئن ۲۰۱۳، جمعیتی بالغ بر ۱۹۰,۰۰۰ هزار نفر، با ۹۵ درصد سنی در خود جای داده است. به لحاظ جغرافیایی از شمال به دو استان «صلاح‌الدین» و «نینوا»، از شمال غربی با کشور سوریه، از غرب با اردن، از شرق با بغداد، از جنوب با عربستان و از جنوب شرقی با دو استان کربلا و نجف هم‌جوار است. (<http://samuel67.blogfa.com>) این استان از موقعیت جغرافیایی و راهبردی مهمی برخوردار است و کانون مقاومت در برابر سقوط رژیم بعث و شکل‌گیری عراق جدید بوده است. آغاز بحران سوریه در ۲۰۱۱، مرحله‌ای بسیار مهم در حیات و فعالیت گروهک‌های تروریستی فعال در استان الانبار به‌شمار می‌رود؛ چراکه گروه‌های تکفیری در این استان با عنوان جهاد در سرزمین شام راهی سوریه شدند.

استان نینوی به مرکزیت موصل در شمال عراق با کشور سوریه هم‌مرز است. نزدیک به ۶۰ درصد آن را عرب سنی تشکیل می‌دهند. این استان، ۳۷۳۲۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن در سال ۲۰۰۳، ۲۴۵۳۰۰۰ نفر برآورد شد. (<http://www.iribnews.ir>) قسمت‌هایی از مناطق این استان پایگاه اصلی داعش در عراق بوده‌اند و از مهم‌ترین دلایل اهمیت این شهر برای داعش عبارت بودند از: اول، موصل یک مرکزی برای تهیه تدارکات جنگی بود. دوم، مسیرهای اصلی برای خارجی‌ها و بمب‌گذاران انتحاری بوده است. سوم، تعداد نیروهای آمریکایی در موصل خیلی کم بودند (Gordon: 2007) و به این علت پناهگاهی برای حامیان رژیم بعث بود. چهارم، موصل جمعیت مسیحی کمی داشت که داعش باید آنها را قربانی می‌کرد و به‌منظور راضی کردن پشتیبانان اصلی، بدون آن‌که با پشتوانه‌ی مردمی بیگانه شود؛ آنها را هدف گرفت. (Klapper, 2008) در مبارزات طراحی شده علیه مسیحیان برنامه آن بود که آنها را از موصل فراری دهند، اما راهبرد اصلی مبارزات شاید هدف قراردادن صلیب در زمانی بود که داعش توانایی کمی برای مقابله با آمریکا را به‌طور مستقیم داشت.

از این رو، می‌توان گفت که بیش‌تر ساکنان این مناطق مسلح هستند و به دلایلی از جمله نارضایتی از حکومت مرکزی گاه‌گاه با شبه‌نظامی‌ها همسو بوده‌اند، شاید همین همسویی تعدادی از عشیره‌ها یا افراد با داعش و دسترسی به مناطق مهمی از عراق باعث اعلام دولت اسلامی شام و عراق

در مناطقی از عراق و سوریه باشد. کم‌توجهی دولت به این مناطق زمینه‌های مساعدی را برای رشد قدرت نظامی و افزایش نیروهای نظامی و گسترش فعالیت داعش فراهم ساخت.

اختلافات قومی^۱، ساختار فرقه‌ای و مبانی اندیشه‌ای

محیط اجتماعی، سیاسی عراق دارای پیچیدگی‌های خاصی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دخالت قدرت‌های خارجی، منازعات مذهبی و قبیله‌ای بودن این جامعه که در طول قرن‌ها تداوم داشته است، اشاره نمود. (مسجدی، ۱۳۸۷: ۲۶) ساختار گروه داعش، فرقه‌ای است که بر باورهای خصمانه‌ی مذهبی استوار است. داعش از ابتدا سعی داشته بین شیعه، سنی و گروه‌های قومی، نزاع و اختلاف ایجاد کند. بمب‌گذاری‌های بسیاری با این هدف به‌ویژه در اماکن مقدسه صورت گرفته است. از مهم‌ترین عوامل بروز اختلافات فرقه‌ای^۲ می‌توان به انفجار مواد منفجره در داخل مسجد عسکری در سال ۲۰۰۶ توسط شبه‌نظامیان اشاره کرد. (Worth, 2006) که متعاقب آن پلیس عراق در اقدامی تلافی‌جویانه، شبه‌نظامی‌ها و غیرنظامیان سنی را هدف قرار داد. (DAMLUJIn, 2010: p75)

هدف اصلی در اواخر سال ۲۰۰۷ برای ایجاد یک حکومت جهادی در عراق شکست خورد، اما با اعمال یک سری تغییرات راهبردی از جمله موارد زیر مجدداً شروع به فعالیت نمودند: اول، در جهت سازماندهی مبارزان تلاش زیادی کرد. دوم، بخش عمده‌ای از نیروها به‌منظور استفاده از سیاست تنش‌های قومی میان جناح‌های عرب و کرد به شمال موصل عقب‌نشینی کردند. سوم، از ایدئولوژی دولت اسلامی عراق به‌عنوان یک دولت دفاع کردند. چهارم، این گروه، از ناامیدی فزاینده‌ی مردم نسبت به سیاست‌های ناکارآمد دولت عراق در اواخر ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ استفاده نمود. پنجم، با به‌کارگیری مجدد شورشیان سابق، شبکه‌ها را مجدداً در قلب سرزمین عراق ایجاد کرد؛ در ۲۰۱۴، بازخورد تنش‌ها و اختلافات فرقه‌ای در شهری مانند فلوجه به حدی بود که علاوه بر داعش سه گروه مسلح دیگر نیز در این شهر

۱ - Ethnic differences

۲ - Denominational differences

بودند: اول، مبارزان قبیله‌ای که شامل قبایلی مانند آل‌بونیمیر، آل‌فرج، آل‌بوعیسی، آل‌فلاح، آل‌جبور، آل‌جمبلات و آل‌جنابات بودند. دوم، گروه‌های مسلحی که تجربه جنگ با آمریکایی‌ها را داشتند و بعد از آن در گروه‌های مختلف، جماعت آل‌نقشبندی، جیش‌المجاهدین ادغام شده بودند. سوم گروه‌های جهادی که برخلاف دانش، وفاداری خود را به القاعده اعلام کرده بودند. برجسته‌ترین گروه در میان آنها جیش انصارالسنه بود.

هدف اصلی داعش از گسترش و‌اگرایی‌های قومی - فرقه‌ای، تضعیف اقتدار و مشروعیت سیاسی - ایدئولوژیک حاکمیت، افزایش ناامنی در داخل و جلوگیری از شکل‌گیری یک نظام امنیتی بود. تنش‌های فرقه‌ای در عراق به حدی گسترش یافت که به یک متغیر تأثیرگذار در ترکیبات سیاسی - امنیتی فراملی، ملی و منطقه‌ای تبدیل شد و همین امر اوضاع عراق را به سمت یک جنگ داخلی هدایت نمود (Mamouri, 2013) و باعث افزایش خشم عرب‌های سنی به دلیل نارضایتی از اوضاع سیاسی علیه دولت شد. (<http://www.un.org>;2013) داعش با تکیه بر گفتمان فرقه‌ای توانست به گرداننده‌ی تحولات عراق و سوریه تبدیل شود و موجبات جذب تعداد قابل توجهی از تکفیری‌های سراسر جهان به عراق و سوریه را فراهم آورد.

عوامل منطقه‌ای تأثیرگذار در شکل‌گیری داعش

جنگ‌های داخلی و نبود قدرت مرکزی قدرتمند تنها علت اصلی شکل‌گیری داعش در عراق نیست، داعش در حال حاضر به قوی‌ترین تجهیزات نظامی مجهز شده است. آیا می‌شود گروهی بدون حمایت هیچ کشور خارجی به این همه تجهیزات برسد؟ بدون شک یکی از دلایل رشد داعش در عراق، نگاه برخی از بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان، قطر و ترکیه به این کشور در چارچوب ماتریس توازن قدرت در خاورمیانه است.

بحران سوریه

البغدادی با شروع بحران سال ۲۰۱۱ سوریه در پی استفاده از فرصت برآمد، با توجه به شناخت قبلی از الجولانی در زندان، (al-Sumaria News, 2010) به وی و تعداد دیگری از شورشیان دستور داد با شعار یاری‌رساندن به اهل سنت وارد جنگ داخلی سوریه شوند تا خود را به‌عنوان بخشی از اپوزیسیون

به نمایش بگذارند. آنها توانستند در مدت کوتاهی بخش‌های از این کشور را اشغال نمایند. همزمان با افزایش ناآرامی‌های ژانویه‌ی ۲۰۱۲، الجولانی به تشکیل جبهه النصره پرداخت (Pieter, 2014) و با ایدئولوژی سلفی - تکفیری (Benotman & Blake, 2013) و فوق‌العاده افراطی با هدف ایجاد یک دولت اسلامی شروع به فعالیت نمود. با قدرت رو به رشد جبهه‌ی النصره، بغدادی در تلاش برای مهار این گروه برآمد و در آوریل سال ۲۰۱۳ اعلام کرد: زمان آن رسیده که به مردم اعلام کنیم جبهه‌ی النصره در امتداد دولت اسلامی عراق است، ما با توکل بر خدا نام دولت اسلامی عراق را لغو و با ادغام جبهه‌ی النصره، آنها را تحت نام دولت اسلامی عراق و شام درمی‌آوریم و جبهه‌ی النصره یک شاخه‌ی مستقل برای مردم سوریه است. (al-Baghdadi, 2013) الجولانی ضمن مخالفت شدید با اظهارات البغدادی، موضوع را طی شکایتی به اطلاع ایمن الظواهری رساند. الظواهری، ابوخلد سوری را به‌عنوان میانجی بین دو طرف برای حل و فصل مناقشه بین رهبران دو گروه منصوب نمود. بغدادی تصمیمات الظواهری را رد کرد و عده داد تا زمانی که خون در رگ ماست، دولت اسلامی عراق و شام باید باقی بماند. الظواهری در فوریه‌ی ۲۰۱۴ ضمن مخالفت با داعش و حمایت از جولانی، جبهه‌ی النصره را به‌عنوان یک گروه مستقل، تحت فرمان القاعده اعلام نمود. النصره به‌منظور شکست داعش در سوریه در نوامبر ۲۰۱۳، با هفت گروه اسلام‌گرا (احرار الشام، جیش الاسلام، التوحید، القاعده حق، انصار شام و جبهه‌ی اسلامی کردستان) جبهه‌ای به نام جبهه‌ی انقلاب اسلامی تشکیل دادند. (BBC News Middle East, 2013) هدف این جبهه‌ی مبارزه با داعش و بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل آن، علاوه بر مبارزه علیه اسد است. (France Press, 2014) به‌طور کلی، مبارزه‌ی جناحی بین گروه‌های اسلام‌گرا در برابر داعش، روند جنگ داخلی در سوریه را تغییر داد. چون داعش بیش‌تر از سایر مخالفان مناطق عمده و غنی از منابع نفتی سوریه را در اختیار دارد.

بحران سوریه فرصتی را فراهم آورد تا داعش بتواند ساختار تشکیلاتی خود را در داخل سوریه تقویت نمایند و ضمن تصرف مناطق از آن کشور به‌عنوان یک پناهگاه علیه دولت عراق از آن استفاده نموده و قدرت خود را به رخ دولت عراق بکشد. انتقال تجهیزات نظامی از سوریه به عراق به دلیل در اختیار داشتن مرز دو کشور و جذب تعداد زیادی از گروه‌های مخالفان اسد به تقویت این گروه کمک شایانی نموده است.

عربستان، قطر

سیاست حمایت از گروه‌های سلفی با هدف کاهش فعالیت و متقل نمودن آنها به خارج از کشور از برنامه‌های اصلی عربستان است. تمام شواهد این ادعا را تأیید می‌کند که نهادهای امنیتی و اطلاعاتی عربستان پشتیبانی مناسبی برای جذب نیرو و حرکت‌های گروه‌های تکفیری بوده‌اند؛ به طوری که در چند دهه‌ی گذشته عربستان یکی از کشورهایی بود که نقش اصلی را در کارسازی و حمایت‌های مالی از گروه‌های سلفی - تکفیری را بر عهده داشته است. حمایت این کشور به گسترش تروریسم در سراسر جهان کمک کرده است؛ چراکه در حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از ۱۹ نفر، ۱۵ نفر از عربستان سعودی بودند. (Zuhur, 2005: p 15) در واقع، این کشور همواره بر آن بوده است که خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام معرفی نماید (میلی: ۱۳۷۷: ۵۸) و چنان نشان دهد که کمک به مسلمانان در رأس امورات این کشور است تا از این طریق بتواند به گسترش نفوذ سیاسی خود در جهان اسلام بپردازد.

با سقوط صدام و قدرت گرفتن شیعیان، عراق به‌عنوان عمق راهبردی^۱ عربستان قلمداد گردید و در راهبرد سیاست خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. عربستان دارای منافع مشترک زیادی با عراق است، به‌گونه‌ای که هر تغییر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در عراق تأثیر فراوانی بر وضع داخلی عربستان خواهد گذاشت. عربستان بر آن است به‌منظور انسجام و قدرت‌نمایی مذهبی از شکل‌گیری دولتی غیرهم‌سو در عراق ممانعت به‌عمل آورد؛ بر همین اساس، تلاش‌های وسیعی را در جهت تضعیف دولت عراق انجام داده است. شعله‌ور نمودن خشونت‌های قومی، فرقه‌ای و حمایت از گروه‌های تکفیری به‌عنوان کنشگر غیردولتی فعال در سیاست خارجی عربستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقایسه‌ی رفتار عربستان در دوران قبل از حمله‌ی آمریکا و به بیان دیگر، در زمان حکومت صدام و پس از سرنگونی آن، این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد که عربستان و تعدادی از کشورهای عربی پس از خارج شدن نیروهای آمریکا از تکفیری‌ها حمایت کرده‌اند.

۱ - Strategic depth

سرخوردگی سران عربستان در جلوگیری از تشکیل حکومت شیعی در عراق آنها را در وضعیتی قرار داد که در ابتدا با حمایت از القاعده عراق و در سال‌های بعد حمایت از گروه دولت اسلامی عراق، شورش‌ها و حملات تروریستی در عراق را افزایش دهند. به طوری که در چند سال گذشته بیش‌تر حملات انتحاری گروه داعش توسط عربستانی‌های عضو آن انجام گرفته است. (<http://alhayat.com>) شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ فرصتی برای عربستان، قطر و برخی از کشورهای عربی فراهم ساخت تا حمایت‌شان را از گروه‌های مخالف به حداکثر برسانند و مردم بی‌گناه را زیر آماج حملات تروریستی قرار دهند. میزان حمایت آنها از داعش به دلیل گستردگی حوزه‌ی عملیاتی در دو جبهه‌ی سوریه و عراق بیش‌تر بوده است و داعش را به نیروی سیاسی تمام‌عیار در عراق و سوریه تبدیل نمودند. حمایت‌های مالی و اقدامات عربستان، قطر (Simon, 2014) و برخی از کشورهای عربی از گروه‌های مخالف دولت در جهت بی‌ثبات‌سازی و عدم دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب را می‌توان از دلایل ادامه‌ی بحران عراق و کمک به رشد داعش به‌شمار آورد. عربستان و کشورهای عربی در طی این مدت همواره بر آن بوده‌اند که چنان وانمود کنند که دخالت آنها در عراق و سوریه با هدف حمایت از مردم سنی بوده است، در حالی که در طی این مدت بیش‌ترین ضربات و خسارت‌ها را سنی‌های ساکن عراق و سوریه متحمل شده‌اند.

عراق در حوزه‌ی منافع راهبردی، نقش پراهمیت موازنه‌ی قدرت^۱ مطلوب ایران در منطقه را ایفا می‌کند، ایران به‌شدت تلاش می‌کند تا با نفوذ در این کشور، عربستان را از این مزیت محروم سازد و موازنه را به سود خود تغییر دهد. بنابراین، موازنه‌ی اصلی قدرت برای عربستان، در متن رقابت راهبردی با جمهوری اسلامی ایران معنا می‌یابد. کشورهای عربی، به‌خصوص عربستان از همان ابتدا برای مقابله با نفوذ ایران بر شیعیان عراق وارد عمل شدند و از هر نوع برنامه‌ای از جمله گسترش تبلیغات وهابیت و دامن زدن به احساسات ضدشیعی بهره جستند.

۱ - Balance of power

ترکیه

ترکیه طی چند سال اخیر تعامل چندانی با حکومت عراق نداشته است. همواره بر آن بوده تا از تنش‌های موجود در عراق به نفع خود استفاده نماید، گسترش روابط با حکومت اقلیم، حمایت از احزاب سنی و پناه دادن به هاشمی را می‌توان در زمره‌ی دخالت‌های آشکار ترکیه در عراق به‌شمار آورد. تا پیش از اشغال موصل توسط داعش اطلاعات چندانی در خصوص حمایت ترکیه از داعش منتشر نشده بود، ولی با تصرف موصل، موضوع اسیران کنسولگری، عدم همکاری ترکیه با ائتلاف ضد داعش، ذهنیت‌ها را در جهت‌ی قرار داد که به همکاری و حمایت ترکیه از داعش اشاره داشت. تحقیقات مؤسسه‌ی مطالعات حقوق بشر کلمبیا^۱ حاکی از آن است که ترکیه از همان ابتدا با نیروهای داعش همکاری داشته است. (http://www.tabnak.ir, 2014) از دلایلی که به حمایت ترکیه از داعش انجامیده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. ترکیه یکی از کشورهای سکولار^۲ در سطح منطقه و متمایل به اخوان المسلمین است، از آنجایی که اخوانی‌ها به نقش جهاد تأکید دارند. بر همین اساس، می‌توان گفت ترکیه با تأسی از ایده‌های اخوانی به عناصر داعش کمک می‌نماید.

اختلاف ترکیه با سوریه و کردهای آن کشور به سال‌های قبل برمی‌گردد؛ یکی از دلایل اختلاف این کشور با سوریه به پناه دادن به اوجالان در آن کشور بود. ترکیه با شروع بحران سوریه، اولین کشوری بود که حمایت از مخالفان را اعلام و از هیچ تلاشی نسبت به سقوط اسد دریغ نکرد. همواره سلاح‌ها و تجهیزات نظامی را در اختیار آنها قرار داد و در حال حاضر، همکاری با نیروهای ائتلاف را مشروط به اولویت براندازی اسد نموده است. کردها تنها گروهی بودند که در دسته‌ی ارتش آزاد و گروه‌های افراطی قرار نگرفتند، بلکه با حمایت‌های پ.ک.ک.ک مناطق خودمختاری را در مناطق هم‌مرز با ترکیه تشکیل دادند که ترکیه از وضعیت پیش‌آمده احساس ناامنی نموده است؛ به همین دلیل، ضمن حمایت از داعش، آنها را در مقابل نیروهای هوادار پ.ک.ک در کردستان سوریه تقویت کرده است.

۱ - Colombian Institute for Human Rights Studies

۲ - Secular

(rubin, 2014) داعش با پیشروی‌های خود سعی در تضعیف کردها در سوریه دارد، تضعیف کردهای سوریه به تضعیف کردهای ترکیه هم می‌انجامد یا دست‌کم از بروز یک جنبش قوی‌تر کردی در این منطقه جلوگیری می‌کند. از دلایل دیگر همکاری ترکیه با داعش به خروج نفت سوریه و عراق توسط داعش و ورود به بازارهای جهانی از طریق ترکیه برمی‌گردد. (http://gulfnews.com, 2014) (https://syrianfreepress.wordpress.com, 2014) در پشت همه‌ی موارد ذکرشده حمایت ترکیه از داعش به‌منظور تضعیف دولت شیعی عراق و نفوذ در آن کشور را اقدامی در جهت تحدید قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. ظاهراً با توجه به سابقه‌ی رابطه‌ی مبهم و مشکوک ترکیه با داعش، مقام‌های این کشور چندانی در قدرت‌یابی آن حس نمی‌کنند. تصورشان این است که با به‌کارگیری همین رابطه‌ها و شبه‌رابطه‌ها می‌توان داعش را در نهایت زمانی که وقتش فرا رسیده باشد، مدیریت کرد و در صورت لزوم محدودش ساخت.

عوامل بین‌المللی

نظام بین‌الملل متشکل از بازیگران عمده‌ای است که در شکل‌گیری و طراحی قواعد بین‌الملل نقش مؤثری ایفا نموده‌اند (waltz, 1979: pp 22-73) نقش قدرت‌های بزرگ نیز در رابطه با ظهور داعش مهم است. در سطح بین‌المللی، نقش غرب به رهبری ایالات متحده در ایجاد و گسترش داعش مطرح است. با بررسی چگونگی شکل‌گیری طالبان و القاعده و نقش پررنگ دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا به این نتیجه خواهیم رسید که آمریکا در ایجاد گروه‌های تروریستی در راستای پیش‌برد اهداف خود نقش اساسی داشته است، اما به محض خلاف حرکت این گروه‌ها در چارچوب اهداف آمریکا با سرکوب و ایجاد ائتلاف علیه آنها می‌خواهد افکار عمومی دنیا را با خود همراه سازد و نشان دهد که هنوز قدرت هژمون جهانی است و می‌تواند بحران‌های جهانی را حل کند. یکی از راهبردهای آمریکا برای ثبات هژمونی خود بحران‌سازی فرقه‌ای و مذهبی، سپس مدیریت این بحران‌ها در غرب آسیاست. به‌نظر می‌رسد ماجرای حمایت از داعش توسط آمریکا به حمایت آن کشور از گروه‌های افراطی سلفی در دوران مبارزه با شوروی تشابه زیادی داشته باشد، درست در یک مقطعی از زمان، از تشکیل و قدرت‌گیری آنها حمایت و در مقطعی دیگر از زمان آنها را سرکوب می‌نماید.

ظهور و فعالیت گروه‌های تکفیری در عراق را می‌توان به حمله‌ی آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان و پناه گرفتن تعدادی از تروریست‌ها در مرزهای عراق نسبت داد، اما به حمله‌ی آمریکا و متحدانش به عراق و سرنگونی صدام، تروریست‌ها رسماً وارد مبارزه با نیروهای آمریکایی و ایجاد جنگ داخلی در عراق شدند. البته مقامات آمریکایی از همان ابتدا سعی داشتند به منظور دسترسی مداوم بر جریان‌های عراق و بهانه برای ماندن یا حضور مجدد در صورت خروج نیروها از آن کشور، زمینه‌ی رشد گروه‌های افراطی فراهم گردد و به نحوی آن را از دیده‌ها دور نگه دارند. بحران سوریه فرصتی را فراهم ساخت که آمریکا با هدف براندازی حکومت اسد علناً از گروه‌های مخالف حمایت نماید و مقادیر زیادی اسلحه در اختیار آنها قرار دهد، داعش نیز از گروه‌های بود که با حمایت‌های غیرمستقیم آمریکا قدرت گرفت و توانست به‌عنوان کنشگر غیردولتی فعال خود را نمایان سازد. کتاب خاطرات کلینتون^۱ تحت عنوان گزینه‌های سخت^۲ تأییدکننده‌ی این واقعیت است که داعش یکی از برنامه‌ها و اهداف آمریکا در منطقه بوده است. (<http://www.bbc.com>) سخنان پاول^۳، یکی از سناتورهای آمریکایی نیز دلالت بر این دارد که آمریکا از حامیان داعش در سوریه بوده و وضعیت فعلی عراق را نتیجه همین همکاری می‌داند. (<http://rt.com:2014>) آنچه امروزه در عراق روی می‌دهد در چارچوب تلاش‌های آمریکا برای اجرای نظریه به‌اصطلاح هرج‌ومرج سازنده^۴ در خاورمیانه صورت می‌گیرد که مجریان آن عربستان سعودی، ترکیه، قطر هستند. بر این اساس، می‌توان گفت که هدف آمریکا تضمین سلطه‌ی جهانی آن کشور برای دهه‌های آینده است. یکی از برنامه‌های آمریکا در دوران بوش عملی نمودن پروژه‌ی خاورمیانه‌ی بزرگ بود که به‌دنبال دمکراتیزه کردن کشورهای منطقه و روی کار آمدن دولت‌های همسو و سازگار با جهان غرب بود. شاید بتوان گفت کمک به داعش در جهت سرنگونی حکومت سوریه و تجزیه و یا تضعیف حکومت عراق جزئی از راهبرد خاورمیانه‌ای آمریکا در دوران اوباما باشد. پیش‌بینی‌ها و نقشه‌های منتشرشده توسط وزارت دفاع آمریکا در سپتامبر

۱ - Clinton

۲ - Hard choices

۳ - Paul

۴ - Constructive Chaos

سال ۲۰۱۴، در خصوص تصرف و پیشروی‌های داعش تا سال ۲۰۱۶ که مناطق سنی‌نشین در شمال و غرب بغداد، سوریه به استثنای دمشق و غرب کشور هم‌چنین بخش کوچکی از شمال اردن، دلیل مهمی بر حمایت این کشور از داعش و اطلاع کامل از برنامه‌های آنهاست. (www.c-span.org)

به‌طور کلی، می‌توان گفت راهبرد آمریکا و تعداد زیادی از کشورهای غرب تأمین امنیت و تضمین بقای اسرائیل در منطقه می‌باشد، روابط بین آمریکا و رژیم صهیونیستی مقطعی نبوده و از زمان تشکیل آن رژیم مورد حمایت آمریکا واقع شده است. در شرایط فعلی که آمریکا حکومت عراق و سوریه و گروه‌هایی هم‌چون حزب‌الله را در تقابل با منافع و امنیت رژیم صهیونیستی می‌بیند، بر آن است تا با حمایت از گروه‌های تروریستی ضمن براندازی حکومت سوریه و تضعیف حزب‌الله امنیت اسرائیل را تضمین نماید. تداوم گسترش نفوذ ایران در عراق و منطقه، یکی دیگر از نگرانی آمریکاست و ایران را به‌عنوان مانعی برای اجرای سیاست‌های خود در عراق می‌بیند. (al-Smadi: 2014) آمریکا سعی دارد با حضور خود در این منطقه به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم از گسترش و نفوذ ایران بکاهد. حفظ جریان نفت به‌سوی غرب، جلوگیری از قدرت‌های ضدآمریکایی از موارد دیگری است که نقش ایالات متحده را در حمایت از گروه‌های افراطی پررنگ نموده است. با توجه به توضیحات فوق، می‌توان گفت اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و کمک به مخالفان و گسترش ناآرامی‌ها در سویه توسط آمریکا از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بین‌المللی در شکل‌گیری داعش بوده است.

سناریوهای داعش

با بررسی فعالیت، اهداف، امکانات و راهبردهای اخیر داعش، می‌توان تصویر محتمل از سناریوهای داعش ارائه نمود. اشغال ناگهانی موصل و تعدادی از شهرهای عراق با مقادیر زیادی از اسلحه و مهمات و تجهیزات جنگی این گروه را در موقعیتی قرار داد که بتواند برای آینده‌ی خود سناریوهایی را طراحی نماید و در پی رسیدن به آنها باشد. بر اساس ارزیابی از فعالیت‌های آنها به نظر می‌رسد سناریوهای زیر از جمله سناریوهای داعش باشند.

سناریوی کلان تشکیل امارات اسلامی

این سناریو یکی از رویکردهای تکفیری‌ها می‌باشد که در تلاش هستند تا با براندازی حاکمان موجود، ابتدا در منطقه و در گام بعدی در سطح جهانی نسبت تشکیل حکومت اسلامی اقدام نمایند. نفوذ داعش در کشورهای افغانستان، یمن، عربستان، لیبی، لبنان، فلسطین و... در راستای دستیابی به اهداف این سناریو است. شاید اعلام بیعت سرکرده گروهک تروریستی بوکوحرام در نیجریه نیز در جهت موازی با این سناریو باشد. گرچه داعش در این زمینه، فعالیت خود را به شدت دنبال می‌کند، اما رسیدن به این هدف در مجموع چندان محتمل به نظر نمی‌رسد، زیرا از یک سو، شرایط و امکانات داعش در حدی نیست که بتواند به این هدف خیالی خود برسد. از سوی دیگر، حامیان اولیه و یا به عبارتی بهتر پدیدآورندگان داعش از جمله ایالات متحده، عربستان تهدیدات و بازخورد گروهک تروریستی داعش را نسبت به منافع ملی خود احساس نموده‌اند.

قطع ارتباط هلال شیعی

ایران به‌عنوان یک کشور شیعی از اهمیت ویژه و قدرت نفوذ بالایی در منطقه برخوردار است. داعش همانند دیگر کشورهای عرب سنی بر این باور است که ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و داعش به کار گیرد. حمایت ایران را از حکومت شیعی در عراق، حکومت اسد در سوریه، حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و اکثریت مردم بحرین و... را منافی با فعالیت و اهداف توسعه خود در منطقه می‌بیند؛ بنابراین درصدد است در جهت عمل به ایدئولوژی واهی و خشن خود (مرتد دانستن شیعه و اعلام جهاد مسلحانه علیه آنان) ضمن ناآرامی در مناطقی از ایران (به‌ویژه مناطق سنی نشین در مرزهای کشور) با از بین بردن حرکت ارتباطی هلال شیعی در منطقه، عمق استراتژیک ایران را در منطقه از بین ببرد.

سناریوی حمله به اردن یا لبنان

به نظر می‌رسد یکی از سناریوهایی که داعش روی آن کار می‌کند و حساسیت زیادی به خرج می‌دهد، حمله به دو کشور اردن و لبنان در شرایط فعلی است. از یک طرف، حمله به اردن به دلیل

همکاری آن کشور با رژیم اشغالگر قدس و به‌عنوان راهی ارتباطی جهت نفوذ به دیگر کشورهای عربی صورت خواهد گرفت. از طرفی دیگر، کشور لبنان از اهمیت خاصی برای داعش برخوردار است؛ زیرا جمعیت لبنان از سنی‌ها، شیعیان و مسیحیان تشکیل شده است و بر اساس ایدئولوژی داعش حمله به شیعیان و مسیحیان از اولویت‌های اصلی در منطقه می‌باشد و خارج از دو مورد ذکر شده هدف قراردادن حزب‌الله لبنان یکی دیگر از دلایل حملات احتمالی به لبنان خواهد بود.

سناریوی ادامه جنگ داخلی و تجزیه عراق

داعش در طول این مدت به این نتیجه رسیده است که در شرایط فعلی تسلط بر کل مناطق عراق میسر نیست، از طریق ایجاد جنگ داخلی و نفوذ در قسمت‌های دیگر عراق سعی در اجرای سناریوی تجزیه‌ی عراق دارد. این سناریو به دو شکل قابل‌تصور است، از یک طرف، تجزیه‌ی عراق به سه ناحیه‌ی سنی‌نشین (مناطق غیر تحت کنترل داعش)، شیعه‌نشین و کردنشین، از طرف دیگر به دو منطقه‌ی کردنشین و عرب‌نشین (شیعه و سنی). داعش مطمئن است در صورت به وقوع پیوستن هر یک از این دو سناریو به‌راحتی خواهد توانست به دلیل ضعف نواحی تجزیه‌شده در آینده‌ای نزدیک بر کل عراق تسلط یابد، اما با توجه به شرایط فعلی عراق این دو سناریو نیز غیرمحتمل به نظر می‌رسند؛ می‌توان گفت که سنی‌ها در حال حاضر کاملاً تضعیف شده‌اند و اطمینان دارند که توانایی مدیریت یک منطقه را در مقابل داعش ندارند. قبل از تصرف موصل توسط داعش، گرچه کردها هم از اعلام استقلال کردستان در آینده‌ای نزدیک سخن به میان می‌آوردند و آن را به‌عنوان یک تهدید در مقابل دولت مالکی به کار می‌گرفتند، اما در شرایط فعلی به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود موفقیت‌های اخیر در مقابل داعش، سکوت را بر اعلام استقلال ترجیح دهند و در قالب یک عراق واحد باقی بمانند. به‌طور کلی، تجزیه‌ی عراق در آینده محتمل به نظر می‌رسد.

سناریوی تداوم روند کنونی، بی‌تأثیر بودن فشارهای خارجی و قدرت‌افزایی گروهک

سناریوی فوق احتمالاً در درون خود طیف وسیعی از سناریوها را در بر خواهد داشت. بدین معنا که تداوم روند کنونی می‌تواند به اشکال و درجات متنوعی دنبال گردد. شکی نیست که استواری و تثبیت

اهداف و حکومت گروهک داعش در مناطق تحت تصرف نیز به سهولت نخواهد بود؛ بنابراین، بخشی از این سناریو نیازمند همراهی و همکاری کشورها در خصوص تأمین امکانات و ملزومات موردنیاز خواهد بود، اما با توجه به همکاری ترکیه در زمینه صادرات نفت و همکاری‌های غیرمستقیم ایالات متحده با توجه به سیاست دوجبهی آن کشور در قبال گروه‌های افراطی، به نظر می‌رسد تا زمان مشخص شدن وضعیت سوریه و سرنگونی اسد مشکلی نداشته باشند. با توجه به توضیحات فوق، چنین سناریویی نسبت به سناریوهای سابق محتمل‌تر به نظر می‌رسد و بازپس‌گیری خروج مناطق تحت اشغال از دست نیروهای داعش در آینده‌ای نزدیک و به آسانی امکان‌پذیر نیست، چون نه تنها قدرت نظامی عراق در این زمینه لازم است، بلکه همراهی و هم‌فکری مردم عراق از ملزومات آن است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن نگاهی گذرا بر ایدئولوژی داعش، عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن بررسی شدند. در بررسی عوامل نقش‌آفرین در شکل‌گیری داعش ضروری بود که عوامل مؤثر در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را مدنظر قرار گیرند، چراکه هیچ‌یک از آنها بدون وجود دیگری نمی‌تواند کارایی چندانی داشته باشد. پژوهش حاضر نشان داد که داعش و البغدادی از دو ایده‌ی فکری وهابیت و اندیشه‌های سیدقطب تأثیر پذیرفته‌اند. داعش حکومت‌های عراق و سوریه را کفرآمیز می‌خواند، مخالف تحصیل دختران است، هیچ آئینی را قبول ندارد، مظاهر مدنیت و تمدن غربی را به شدت رد می‌نماید. راهبرد داعش در سوریه و عراق، تصرف و کنترل مناطقی بوده که در حوزه‌ی «امارت اسلامی» مدنظرشان واقع شده‌اند. اعتقادات افراطی و جنگ‌طلبانه و به دوراز انسانیت داعش بیانگر خطر امنیتی آنها برای منطقه و جهان است؛ بنابراین، بررسی علل شکل‌گیری این گروه از اهمیت اساسی برخوردار است.

ضعف دولت (در زمینه‌ی نظامی، تعامل با سایر گروه‌های سیاسی، عدم نظارت بر ارگان‌ها)، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و اختلافات فرقه‌ای از عوامل داخلی بودند که بدون شک بر بحران داخلی عراق تأثیر فراوانی دارند. دخالت دولت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان، قطر و ترکیه در عراق و کمک به گروه داعش از عوامل منطقه‌ای

تأثیرگذار هستند. عربستان سعودی و قطر با سرازیر نمودن منابع مالی خود به سمت داعش در تلاش هستند، حرکت‌ها و سیاست‌های این گروه را در چارچوب سیاست خارجی خود قرار دهند. ترکیه نیز به دلالتی به‌منظور خروج نفت داعش به سایر کشورها تبدیل شده است، از دیگر عوامل منطقه‌ای می‌توان به خلاً قدرت در سوریه اشاره نمود که به افزایش قدرت داعش منجر گردید. در سطح بین‌المللی حضور غرب و در رأس آن آمریکا در عراق به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و کمک به مردم عراق، حمایت از گروه‌های مخالف اسد، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی از جمله مواردی بودند که در گسترش فعالیت داعش نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند.

اشغال ناگهانی موصل و تعداد از شهرهای عراق توسط داعش، منطقه و نظام بین‌الملل را متعجب و متأثر ساخت. به‌گونه‌ای که داعش با کارزمایی بیش‌تر از قبل سیاست تهاجمی خود را در مناطق تحت تصرف خود در سوریه و عراق دنبال نمود. داعش به‌عنوان پدیده‌ای که نام اسلام را با خود یدک می‌کشد، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جهان اسلام و روابط دولت‌ها و ملت‌های منطقه دارد. مسلماً قدرت‌یابی بیش‌تر این گروه بر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که خود در مرکز ثقل تحولات سیاسی خاورمیانه بوده، بی‌تأثیر نخواهد بود. در فضای متشنج در مرزهای غربی ایران، محیط امنیتی چالش‌برانگیز است؛ زیرا هم احتمال سرایت ناامنی‌های منطقه‌ای به ایران وجود دارد و هم تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به محیط بی‌ثبات و تشدید خصومت‌ها در بیش‌تر مناطق عراق با موانع بیش‌تری روبرو خواهد بود. ضمن این‌که در پی قدرت‌گیری بیش‌تر داعش و ماندن در آن مناطق، کشورهای بیش‌تری در پیرامون ایران به‌دنبال تقویت دفاعی و نظامی خود بر خواهند آمد که احتمال درگیری و کشمکش را در محیط امنیتی ایران در آینده افزایش می‌دهد.

وجود گروهک تروریستی داعش و انگیزه آنها برای نابودی دشمنان خود، به‌ویژه شیعیان در عراق و در منطقه، ایران را بیش از گذشته در آستانه‌ی خطرات و حملات تروریستی قرار خواهد داد. نزدیکی جغرافیایی این خطر را بیش از اندازه تقویت نموده است. حال باید این نکته را نیز مدنظر داشت که در حالی که ایران به لحاظ اکثریت شیعه و نفوذ بیش از اندازه در عراق از یک

طرف، هدف گروهک‌های تروریستی می‌باشد؛ از طرف دیگر، گروهی از کشورها از جمله ایالات متحده، ایران را هم‌پیمان تروریست‌ها می‌دانند و با این بهانه سعی در تخریب وجهی ایران را دارند. در مجموع، می‌توان گفت بعد از موفقیت‌های اخیر داعش در عراق، خطر آفرینی این گروهک تروریستی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از پیش برجسته شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این پیامد مصون نبوده و بعد از حملات اخیر داعش، امنیت و منافع ملی ایران دستخوش پیامدهای داعش قرار گرفته است، به طوری که تنش در روابط دوجانبه‌ی ایران با کشورهای منطقه از جمله اعراب به وجود آورده و آنها جهت تضعیف قدرت نفوذ ایران، در کشورهای دیگر از جمله این اقدام به مداخله می‌کنند. با توجه به موارد ذکر شده، پیگیری، شناخت و مقابله با این پدیده یعنی گروهک تروریستی داعش از نقطه نظر منافع و امنیت ملی برای ایران حائز اهمیت است. بر همین اساس، موارد زیر در جهت مقابله با داعش در مناطق مرزی ایران و در داخل عراق پیشنهاد می‌گردد:

- تلاش در جهت ایجاد رابطه‌ی مستحکم‌تر از قبل با همه‌ی گروه‌های عراقی (شیعیان، سنی‌ها و اکراد)، چون منافع ایران در پیوند با منافع یک گروه خاص حاصل نخواهد شد و حمایت از شیعیان و روابط با آنها تنها در زمانی مناسب و مفید خواهد بود که با ارتباطات با سایر گروه‌ها در این کشور همراه باشد؛
- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای نفوذ و نقش آفرینی بیش‌تر از قبل در عراق به منظور حفظ توازن قدرت در سطح منطقه‌ای؛
- تقویت پیوند با جریان‌های میانه‌رو اهل سنت در ایران و عراق؛
- از طریق تأکید بر آموزه‌های دینی و مبانی دین مبین اسلام، همدلی و هم‌سویی بین شیعه و سنی را به صورت مشترک در حمایت از مرجعیت دینی با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای فراهم آورند؛
- تقویت و تأمین امنیت بیش از پیش مرزهای غربی کشور؛
- برگزاری نمایشگاه‌های عکس در رابطه با جنایات داعش و آگاه‌سازی مردم؛

- پیشنهاد راه‌حل‌های سیاسی به مقامات عراقی، چون راه‌حل‌های سیاسی در عراق بهتر از راه‌حل‌های نظامی می‌تواند مشکلات عراق را حل و فصل نماید؛
- آمادگی و هماهنگی بیش از پیش نیروهای امنیتی و نظامی در مناطق مرزی.

منابع

فارسی

- ۱- رشیدی، احمد، شاه قلعه، صفی الله، مبانی فکری ضدیت طالبانیم پاکستان با شیعیان، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره ۲.
- ۲- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹)، سلفی گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۷.
- ۳- فوزی، یحیی (۱۳۸۹)، گونه شناسی فکری جنبش های اسلامی معاصر و پیامدهای امنیتی آن در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴.
- ۴- گروه نویسندگان (۱۳۷۹)، تاریخچه سیاسی وهابیت، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۵- میلی، ویلیام (۱۳۷۷)، طالبان و سیاست های جهانی، ترجمه ی عبدالغفار محقق، مشهد، انتشارات ترانه.
- ۶- محمدیان، محمود (۱۳۹۱)، تأثیر اندیشه های نوسلفی بر اندیشه ی فکری-ایدئولوژیک القاعده، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۳.
- ۷- مسجدی، ایرج (۱۳۸۷)، بررسی تجربه دولت- ملت سازی در عراق، مجموعه مقالات همایش عراق نوین و تحولات خاورمیانه، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

عربی

- ۸- البوطی، محمدسعید رمضان (۱۴۱۸ق)، السلفیه مرحله زمينه مبارکه لا مذهب اسلامي، بيروت، دارالفکر المعاصر، دمشق: دارالفکر.
- ۹- کيوان، مأمون (۲۰۰۸)، خريطة الجماعات المسلحة في العراق، النشاه و المسار و الافاق، فضليه شوون الاوسط، لبنان، ش ۱۳۰.
- ۱۰- مجموعه نویسندگان (۱۹۸۶)، المنجد في الاعلام، بيروت، نشر دارالمشرق.

- 11- "Al-Qaeda in Iraq," Group Profile, Jane's World Insurgency and Terrorism, April 13, 2011.
- 12- Abu Aman et al. 2011. *Syubhat salafi*. Solo, Indonesia: Jazeera.
- 13- Abu Bakr Al-Qurashi Al-Baghdadi, "Allah Will Not Allow Except that His Light Should Be Perfected," Fursan Al-Balagh Media, July 2012.
- 14- Abu Mohammed al-Jawlani, "The Coming Days Will Be Better Than Past Ones," Fursan Al-Balagh Media, August 2013
- 15- Abu Musab al-Zarqawi, letter released by the Coalition Provisional Authority, February 12, 2004, http://www.cpa-iraq.org/transcripts/20040212_zarqawi_full.html
- 16- Ahmed S. Hashim, *Insurgency and Counter-Insurgency in Iraq* (Ithaca: Cornell University, 2006),
- 17- al-Banna, Hassan. 1978. *Five tracts of Hassan Al Banna (1906-1949): A selection from the Majmu'at Rasa'il al-Imam al-Shahid*. Berkeley, CA: University of California Press.
- 18- Ali Mamouri, "The Rise of 'Cleric Militias' in Iraq", Al Monitor Iraq Pulse, July 23, 2013, <http://www.almonitor.com>.
- 19- al-Mawdudi, Abul a'la. 1997. *Jihad in Islam (Jihad fi sabilillah)*. Trans. Khurshid Ahmad. Birmingham: UK Islamic Da'wah Centre.
- 20- al-Smadi. Fatima. "Iraq in Iran's Strategy: Growing Security Preoccupation and Declining Opportunities". www.aljazeera.net
- 21- al-Sumaria News, December 1, 2010, <http://www.alsumaria.tv/en/Iraq-News/1-57049-Identity-of-Iraq-Qaedagroup-leader-uncovered.html>
- 22- Ann Hironaka, *Neverending Wars: The International Community, Weak States, and the Perpetuation of Civil War*, Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 2005; James D. Fearon
- 23- Anthony H. Cordesman, *Iraq: Patterns of Violence, Casualty Trends and Emerging Security Threats* (Washington, D.C.: CSIS, February 9, 2011), 9, <http://csis.org/publication/iraq-patterns-violence-casualty-trends-and-emerging-security-threats>. April 2013.
- 24- Ayman al-Zawahiri, "Forty-Six Years Since the Setback," Al-Sahab Media Establishment, August 2013; Ayman al-Zawahiri, "Truth Has Come and Falsehood Has Perished," Al-Sahab Media Establishment, September 2012.

- 25- Ayman al-Zawahiri, letter dated July 9, 2005, released by the Office of the Director of National Intelligence, released October 11, 2005, http://www.globalsecurity.org/security/library/report/2005/zawahiri-zarqawiletter_9jul2005.htm
- 26- Azzam, Abdullah. 2007. *Prinsip-prinsip jihad (Hukumul jihad)*. Trans. Fakhurazi. Jakarta: Gema Insani Press.
- 27- Baqal, huma.extremism and fundametalism:linkages to terrorism Pakistan persective international journal of humanities and social science . vol.1no.6:june, 2a2-2a8,2012
- 28- Ben Van Heuvelen, The Washington Post, April 17, 2012. Available at: http://www.washingtonpost.com/world/war-zones/iraqi-leaderscriticize-president-nouri-al-maliki-after-arrest-of-top-electionsofficial/2012/04/14/gIQA3la7NT_story.html?tid=wp_ipad
- 29- BINGHAM, Raymond L. 2006. „Bridging the Religious Divide”. *Parameters* 36.
- 30- Bradley Klapper, “Thousands of Christians Flee Mosul,” Associated Press, October 11, 2008.
- 31- Brian M. Jenkins, *Will Terrorists Go Nuclear?* Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, P-5541, 1975, p. 5. As of March 17, 2014: <http://www.rand.org/pubs/papers/P5541.html>
- 32- Bruce Reidel, *The Search for Al Qaeda: Its Leadership, Ideology, and Future* (Washington, D.C.: Brookings Institution, 2008)
- 33- Central Intelligence Agency, *Guide to the Analysis of Insurgency*, Washington, D.C.: Central Intelligence Agency, 2012, p. 1.
- 34- *Dictionnaire mondial de l’islamisme*. 2002. published under the guidance of Cahiers de l’Orient, Paris:Plon.
- 35- Eleanor abdella Doumato, “Manning the Barricades: Islam according to Saudi Arabia’s School Texts,” *The Middle East Journal* 57, iss. 2(2003)
- 36- Elizabeth Dickinson, *Playing with Fire: Why Private Gulf Financing for Syria’s Extremist Rebels Risks Igniting Sectarian Conflict at Home*, Brookings Institution, 6 December 2013
- 37- Faith Brotherhood, and the (Un)Making of Terrorists(New York: HarperCollins, 2010) Fred
- 38- Fearon and Laitin, “Ethnicity, Insurgency, and Civil War,” 2003, pp. 75–76.
- 39- Fred Kaplan, “Who Disbanded the Iraqi Army?” *Slate*, September 7, 2007, <http://www.slate.com/id/2173554/>.

- 40- Freya Petersen, .Yahoo News, "Islamic State of Iraq and Levant: An explainer." January 7, 2014,
- 41- Ghannouchi, R. *The conflict between the West and Islam: The Tunisian case "reality and prospect"*. Lecture delivered at the Royal Institute of International Affairs, Chatham House, London, 9 May 1995.
- 42- Hazem Al-Amin, "The City of Al-Zarqaa in Jordan—Breed-ing Ground of Jordan's Salafi Jihad Movement," Al-Hayat, parts one and two of three-part inquiry published December 14-15, 2004,
- 43- Ibrahim Naahah, Asim Abdul Maajid and Esaam-ud-Deen Darbalah. 1997. *In pursuit of Allah's pleasure*. London: Al-Firdous.
- 44- International Crisis Group (ICG). 2005. *Recycling militants in Indonesia: Darul Islam and the Australian Embassy bombing*. Asia Report No. 92, 22 February 2005. Brussels: ICG.
- 45- Julian Borger David Pallister, Corruption: the 'second insurgency' costing \$4bn a year", The Guardian, December 1, 2006. <http://www.theguardian.com/world/2006/dec/02/usa.iraq>
- 46- K. H Sirajuddin Abas. 1994. *I'tiqad Ahlussunnah Wal Jama'ah*. Kelantan, Malaysia: Pustaka Aman Press Sdn Bhd.
- 47- KANE, Ousmane. 2007. „Moderate Revivalists: Islamic Inroads in Sub-Saharan Africa". *Harvard International Review* 29.
- 48- Kaplan, "Who Disbanded the Iraqi Army?" *Slate*, September 7, 2007, <http://www.slate.com/id/2173554/>.